سخنرانی مکری در ونیز

شهرام مکری، نویسنده و کارگردان سینما که امسال با فیلم «جنایت بی‌دقت» در جشنواره فیلم ونیز حضور دارد درباره مشکلات سینمای ایران برای تولید مشترک سخنرانی می‌کند. این برنامه فردا به میزبانی اتحادیه اروپا با عنوان «آینده سینمای جهان» در این جشنواره برگزار شده و شامل دو میزگرد است که با تمرکز بر تولیدات مشترک بین قاره آسیا و آفریقا با سایر کشورهای دنیا با مجموعه‌ای سخنرانی برگزار می‌شود. / جام‌جم‌دیلی

کمانچه‌نوازی با اردشیر کامکار

کتاب شیوه کمانچه‌نوازی (دوره اول) اردشیر کامکار، آهنگساز، نوازنده و مدرس کمانچه منتشر شد. او می‌گوید کوشش کرده جنبه‌های گوناگون اعم از ساختن و نواختن قطعات مختلف در قالب تک‌نوازی و گروه‌نوازی تألیف و آموزش ارتقای سطح تکنیکی این ساز را در کتاب بگنجاند. به گفته کامکار، این کتاب تالیف کتاب آموزش پایه کمانچه براساس ویژگی‌های موسیقی ایرانی و موسیقی محلی است. / ایسنا

نقشه ایـــران

به جز تهران، سهم استان‌های مختلف از حضور

علی رستگار

سینما

احتمالا باید از عبارت متاسفانه استفاده کنیم که تقریبا همه امکانات فیلمسازی و سینمای حرفه‌ای ایران در تهران متمرکز است و بخشی از مهاجرت‌های علاقه‌مندان فعالیت در سینما هم از همین دایره بسته و انحصاری ناشی می‌شود. برخلاف سینمای آمریکا که با وجود برتری هالیوود و تمرکز فیلمسازی در لس‌آنجلس، دیگر شهرهای بزرگ هم امکان فعالیت و ساخت فیلم‌های سینمایی در سطح و کیفیتی استاندارد را دارند، در ایران همه چیز در سینمای حرفه‌ای به تهران ختم می‌شود. برای همین تهران، اولین و راحت‌ترین لوکیشن فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی است و گروه‌های سازنده معمولا به دلایل مختلف از جمله کاهش هزینه‌ها ترجیح می‌دهند پایشان را از تهران بیرون نگذارند.

تهرانِ بی‌هویتِ سینمای ایران

احمد طالبی‌نژاد

منتقد فیلم و نویسنده کتاب «تهران در سینمای ایران»

۱ تردیدی نیست که تهران، مهم‌ترین شهر سینمای ایران است؛ بالاخره پایتخت کشور است و تقریبا همه استودیوها و مراکز و امکانات فیلمسازی در این شهر متمرکز است. از سوی دیگر، با توجه به اقتصاد شکننده سینمای ما، فیلم ساختن در تهران ارزان‌تر است.

به همین دلایل، تهران، از بدو پیدایش سینما تا همین حالا، حضور پررنگی در سینمای ایران داشته. این قاعده تنها در یك بازه زمانی تا حدودی بر هم خورده است؛ در نیمه اول دهه ۵۰. در آن سال‌ها، دو گونه از شهرها مورد توجه سینمای ایران قرار گرفتند: ابتدا برخی شهرها به خاطر بافت سنتی و معماری کهن مثل یزد و کاشان به عنوان شهرهای کویری و حاشیه کویری، چون بی‌شباهت به تهران دوره قاجار و پهلوی اول نبودند، به سینمای ما راه یافتند آن هم نه با هویت بومی خودشان بلکه به عنوان بدلی از تهران قدیم. سپس برخی شهرهای جنوب که امکان تنوع لوکیشن در آنها مثل دریا و کشتی و لنج و... بیشترین حضور را در سینمای نیمه اول دهه ۵۰ تجربه کردند.

۲ همچنان تهران بر صدر همه شهرهای حاضر در سینمای ایران است؛ هرچند مهم‌ترین شهر سینمای ماست اما باهویت‌ترین شهر آن نیست. اساسا فارغ از سینما نیز تهران شهر بی‌هویتی شده است. اگر هویت به مثابه شناسنامه است، تهران آن را ندارد. پاریس و ونیز و لندن و همه شهرهای قدیمی اروپا شناسنامه دارند اما با این‌که در ایران هنوز برخی شهرها هویت بومی دارند متاسفانه تهران هویت خود را پاك از دست داده است. در تهران، خیابان لاله‌زار را داشته‌ایم؛ حالا مدام به قصد احیای سنت‌های این خیابان، بازسازی‌اش می‌کنیم، غافل از این‌که ممکن نیست آن رونق را به این خیابان بازگرداند. البته وضع تهران در سینمای ایران، همیشه این‌طور نبوده است. در دوره‌ای، تصویر تهران در سینمای ما، تصویری باهویت بوده است؛ در فیلم‌های مربوط به لمپن‌ها و جاهل‌ها در نیمه اول دهه ۵۰، عناصری از آداب تهران قدیم مثل ترنابازی و قاپ‌بازی را می‌شد دید، که خب البته این، همه هویت تهران نیست. هر گوشه تهران، هویتی جداگانه دارد؛ هویت تجریش باری یا با چهارراه ولی‌عصر یکی نیست.

۳ مدتی است سینمای ایران مملو از فیلم‌های آپارتمانی است؛ فیلم‌هایی در فضاهای بسته با لوکیشن‌های محدود. در این فیلم‌ها، فیلمسازان نهایتا تلاش می‌کنند تنوع را با میزانسن ایجاد کنند. خب می‌دانیم هرچه لوکیشن کمتر، هزینه تولید نیز کمتر است. اقتصاد، حاکمیت دارد بر جنبه‌های دیگر سینمای ایران. بروز این وضع از سویی به بازار محدود فیلم در ایران مربوط است و از سویی به تهیه‌کننده‌های غیرواقعی. تهیه‌کننده‌های ما اغلب واقعی نیستند؛ آنها از نهادهای مختلف بودجه دریافت می‌کنند، ابتدا سهم خود را برمی‌دارند و با تتمه‌اش فیلم را سرهم‌بندی

آذربایجان شرقی

یکی از مهم‌ترین فیلم‌هایی که بخشی از آن در تبریز فیلمبرداری شده، ستارخان به کارگردانی علی حاتمی است. این فیلم که قصه ستارخان، از سرداران جنبش مشروطه را روایت می‌کند، به جز شهر تهران و لوکیشن‌هایی مثل کاخ گلستان و مسجد سپهسالار، در تبریز هم جلوی دوربین رفت؛ همان بخش‌هایی که حیدرعمواوغلو به تبریز می‌رود و مردم شهر را به هواداری از ستارخان تشویق می‌کند و همچنین آن صحنه‌هایی که قشون دولتی برای جنگ وارد شهر می‌شوند.

بهمن و بهرام ارک، دو فیلمساز جوان اهل تبریز هم فیلم سینمایی پوست را حوالی تبریز و در روستای باویل شهر اسکو و به زبان ترکی ساختند؛ فیلمی خاص که با توجه به فرهنگ و مولفه‌های بومی سراغ قصه‌ای درباره عشق و جادو و خرافه‌پرستی می‌رود. آنها فیلم کوتاه و تحسین شده حیوان را هم در آذربایجان شرقی ساختند.

منطقه پرواز ممنوع به کارگردانی امیر داسارگر که از فیلم‌های موفق کودک و نوجوان و با موضوع مدافعان حرم است، در آذربایجان شرقی و در منطقه کلیبر فیلمبرداری شد.

بخش‌هایی از فیلم عشق و جنون به کارگردانی حسن نجفی و با بازی سعید راد هم در تبریز و روستای مشهور و زیبای کندوان در اسکو فیلمبرداری شد. حالا که صحبت از کندوان شد، باید به فیلم شهر موش‌ها ۲ هم اشاره کرد؛ با این‌که فیلم عروسکی است و در استودیویی در تهران فیلمبرداری شده، اما دکور فیلم و شهر موش‌های قصه، یادآور خانه‌های صخره‌ای کندوان است.

بوشهر

احسان عبدی پور که در این چند وقت اخیر شهرت قصه‌نویسی‌اش به اسم‌ورسم فیلمسازی‌اش می‌چربد، متولد بوشهر است و چند سال گذشته فیلم‌های خوبی را هم با لحن و حال و هوای این شهر خوب و باصفای جنوبی ساخته‌است؛ همسنگار، تنهای تنهای تنها، پاپ و تیک آف که موفق‌ترین و تحسین‌شده‌ترین آنها تنهای تنهای تنهاست.

وقتی صحبت از بوشهر است، باید از داریوش غریب زاده، فیلمساز خوب و باتجربه بوشهری هم یادکرد که فیلم‌های خوب کوتاهی را در زادگاهش ساخته‌است.

فیلم کتونی سفید به کارگردانی محمدابراهیم معیری با بازی حسین یاری و باران کوثری هم ازجمله آثاری است که در بوشهر ساخته شد.

آذربایجان غربی

فیلم «آتابای» به کارگردانی نیکی کریمی از مهم‌ترین فیلم‌هایی است که در آذربایجان‌غربی ساخته شد. هادی حجازی‌فر، نویسنده فیلمنامه و بازیگر نقش اصلی فیلم (کاظم آتابای) که متولد خوی است، قصه را هم حوالی همین شهر بزرگ و پرجمعیت آذربایجان‌غربی یعنی روستای پیرکندی روایت می‌کند. به جز فیلمنامه، استفاده درست از لوکیشن و وجوه بصری آن هم از قوت‌های آتابای است.

فیلم «گمیچی» به کارگردانی مجید اسماعیلی هم از فیلم‌های خوب و تحسین‌شده‌ای است که در دریاچه ارومیه و با موضوع این دریاچه ساخته‌شد.

اردبیل

احمد مرادپور که سریال رقص‌پرواز و فیلم‌های سجاده‌آتش و رنجر را در کارنامه دارد، به‌تازگی و پس از چند سال دوری از کارگردانی، ساخت فیلمی به نام «کارو» را به عهده گرفت؛ فیلمی که در استان اردبیل فیلمبرداری شد. کارو در خلخال کلید خورد و بعد هم فیلمبرداری آن در سرعین ادامه پیدا کرد. قصه فیلم اما درباره یک کشتی‌گیر نوجوان کرمانشاهی است. باید منتظر تماشای این فیلم تازه تولید شده باشیم تا ببینیم آیا از لوکیشن‌های اردبیل به جای کرمانشاه استفاده شده یا ماجرا چیز دیگری است.

ایلام

شاخص‌ترین فیلمی که در ایلام جلوی دوربین رفت، «بمانی» ساخته داریوش مهرجویی است که قصه تلخ سه دختر ایلامی به نام‌های مدینه، نسیم و بمانی را روایت می‌کرد. تهیه‌کنندگی این فیلم را محمد نیک‌بین و تهمینه میلانی بر عهده داشتند.

از دیگر فیلم‌هایی که در ایلام ساخته شد، می‌توان به فیلم مستطیل قرمز به کارگردانی حسن سید خانی و حسین سید خانی و بازی بازیگرانی چون اندیشه فولادوند و علیرضا اوسیوند اشاره کرد.

خراسان رضوی

خراسان رضوی به‌ویژه شهر مقدس مشهد، یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین لوکیشن‌های سینما و تلویزیون است و به‌خصوص قصه‌هایی که با محوریت سفر زیارتی و با حال و هوا و مضمونی معنوی روایت می‌شوند، دست‌کم در یکی دو سکانس گذرشان به مشهد می‌افتد.

سه‌گانه زائر ساخته رسول صدرعاملی (فیلم‌های شب، هرشب تنهایی و در انتظار معجزه)، بیا از گذشته حرف بزنیم به کارگردانی حمید نعمت‌ا...، دو چشم بی‌سو به کارگردانی محسن مخملباف، به آهستگی ساخته مازیار میری، روز هشتم به کارگردانی مهدی کرم‌پور، زیارت به کارگردانی صادق کرمیار، آوای نقاره‌ها ساخته جواد مزدآبادی، زائر غریب به کارگردانی اکبر صادقی و کیمیا به کارگردانی احمدرضا درویش از جمله فیلم‌هایی هستند که در مشهد جلوی دوربین رفته‌اند.

مجید مجیدی هم مستند تاثیرگذاری در مشهد ساخته‌بود به نام «رضای رضوان» که حال و هوای خادمان بخش کفشداری حرم امام رضا(ع) را روایت می‌کند.

گشت ارشاد ۳ به کارگردانی سعید سهیلی هم تازه‌ترین فیلمی است که در شهر مشهد جلوی دوربین رفت.

خراسان شمالی

کوک نغمه گمشده به کارگردانی داریوش یاری و با بازی کاوه خداشناس، تله‌فیلمی است که در بجنورد، مرکز استان خراسان شمالی جلوی دوربین رفت.

چهارمحال و بختیاری (شهرکرد)

یکی از فیلم‌هایی که در چهارمحال و بختیاری جلوی دوربین رفت، فیلم دفاع مقدسی «۵۰ قدم آخر» به کارگردانی کیومرث پوراحمد است که بخشی از آن در منطقه سواد جان شهر سامان فیلمبرداری شد. البته بخشی از این فیلم هم در نجف‌آباد اصفهان ساخته‌شده‌بود.

خراسان جنوبی

فیلم یاور به کارگردانی عمار خطی از جمله فیلم‌هایی است که در خراسان جنوبی و در شهرستان فردوس ساخته شد. همچنین باید به تله‌فیلم زرپرانی به کارگردانی رضا غفاری و با بازی علیرضا اوسیوند، فریده دریامج و حسین توشه هم اشاره کرد که در لوکیشن‌هایی در خراسان جنوبی فیلمبرداری شد.

فارس

استان فارس و شهر شیراز هم به دلیل قدمت تاریخی و جاذبه‌های گردشگری، لوکیشن فیلم‌ها و سریال‌های زیادی بود. یکی از مشهورترین فیلم‌های سینمای ایران که چند سکانس آن در شیراز و در محله سردزک فیلمبرداری شد، داش آکل ساخته مسعود کیمیایی است.

اصغر فرهادی هم قرار بود فیلم تازه‌اش قهرمان را در شیراز کلید بزند که به دلیل کرونا، زمان ساخت آن به تعویق افتاد.

سیستان و بلوچستان

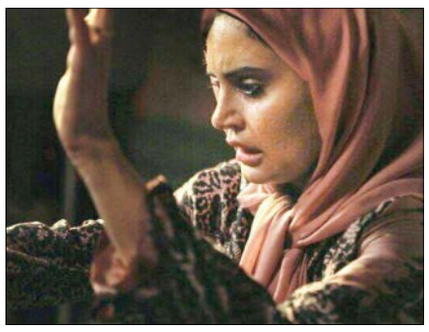

بخش‌هایی از دو فیلم سینمایی شبی که ماه کامل شد ساخته نرگس آبیار و روز صفر ساخته سعید ملکان در این استان جلوی دوربین رفت.

فیلم‌های شرفناز ساخته حسن نجفی، آرایش غلیظ ساخته حمید نعمت‌ا... و شعله‌ور باز هم به کارگردانی حمید نعمت‌ا... از فیلم‌هایی هستند که در چابهار این استان فیلمبرداری شدند. فیلم شب‌شکن ساخته خسرو ملکان هم در چابهار (کنارک) ساخته شد.

مازندران

مازندران یکی از پرکاربردترین و محبوب‌ترین لوکیشن‌های آثار سینمایی و تلویزیونی است. مجموعه تلویزیونی پایتخت به کارگردانی سیروس مقدم، شاخص‌ترین نمونه است. فیلم خرس (خسرو معصومی) که به‌تازگی نسخه قاچاق آن منتشر شده هم در مازندران (شیرگاه، سوادکوه و نوشهر) فیلمبرداری شده‌است. بعضی دیگر از فیلم‌های خسرو معصومی هم در مازندران فیلمبرداری شدند مثل رسم عاشق‌کشی، باد در علفزار می‌پیچد و آقای بخشدار. داریوش فرهنگ هم فیلم رززرد را در چالوس ساخت. فیلم مردی در آینه به کارگردانی ساموئل خاچیکیان هم در شهر چالوس جلوی دوربین رفت. فیلم شکار خاموش کیومرث پوراحمد در مازندران فیلمبرداری شد و این فهرست بسیار طولانی‌تر از این حرف‌هاست.

گلستان

خدا نزدیک است ساخته علی وزیریان و تومان ساخته مرتضی فرشباف و بالهای سپید ساخته مهدی هاشمی و ناصر هاشمی از جمله آثاری هستند که در استان گلستان فیلمبرداری شدند.

قم
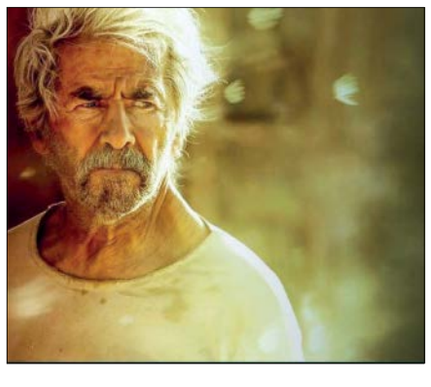
این شهر مذهبی هم هرازگاهی لوکیشن برخی آثار نمایشی می‌شود؛ مثل سکانس زیارت حرم حضرت معصومه(س) در خروج ابراهیم حاتمی‌کیا.